

رقص در ترازوی اخلاق^۱

منبع: سایت زیتون، روز چهارشنبه، مورخ: ۹۹/۱۱/۸

مدتهاست در این اندیشه ام که درباره «رقص» بنویسم و تلقی خویش از این کنش انسانی پر بسامد در جوامع پیرامونی را با مخاطبان در میان گذارم.^۲ جهت ایضاح بیشتر مدعیاتم، از پی دکارت، فیلسوف فرانسوی سده شانزدهم که می گفت: «تقسیم کن تا پیروز شوی»؛ رواست چهار نوع رقص را از یکدیگر تفکیک کنیم: "رقص اروتیک"، "رقص شاد"، "رقص هنری" و "رقص صوفیانه" (سماع).^۳ مطابق با توضیحی که خواهد آمد، به روایت نگارنده، رقص شاد و رقص هنری و رقص صوفیانه، ذیل «اوصاف اخلاقی بدساز»^۴ قرار نمی گیرند، متصف به وصف بدی نمی گردند و رفتارهای انسانی ناموجهی از منظر اخلاقی نیستند. رقص اروتیک توأم با برانگیختگی جنسی است و رقصنده (اعم از زن و مرد)، به نیت برانگیختن قوای جنسی بیننده، می رقصد. رقص شاد، برای شادی بخشیدن به خود و دیگران انجام می شود و می تواند به صورت فردی و جمعی صورت گیرد؛ رقصی که رافع و دافع ملالت و تلخکامی است. رقص هنری، کنشی

۱. در مقدمه اثر «حجاب در ترازو» آورده ام: «اوایل دهه هشتاد شمسی که به کشور انگلستان سفر کردم... در کنار درس و مشق موظف در حوزه فرائض و اخلاق هنجاری و تحقیق پیرامون مکاتب فلسفی «خاص گرای اخلاقی» و «اخلاق در نظر اول»، دلمشغول ربط و نسبت میان دین و اخلاق بودم و در این باب می خواندم و می اندیشیدم. پس از اتمام تحصیل و بازگشت به ایران نیز، در دوره های متعدد تدریس فلسفه اخلاق، به این مهم پرداختم و انواع روابط میان این دو مقوله را بررسی و تبیین کردم.»

افزون بر این، از اوایل دهه نود شمسی، بر رسیدن ربط و نسبت میان اخلاق و فقه، با محوریت برخی از احکام فقهی اجتماعی را در دستور کار خویش قرار دادم. مقالات چهارگانه ام درباره مسئله حجاب که به همراه سه جستار دیگر در «حجاب در ترازو» منتشر شد، اولین گام در این راستا بود. پس از آن به سروقت احکام «ارتداد»، «ساب النبی»، «سنگسار» و «مباهته» رفته و در قالب مقالات چندی، به روایت خویش به توزین آنها در ترازوی اخلاق همت گمارده و با وام کردن شهودهای اخلاقی عرفی، به نقد اخلاقی این احکام که از قضا هیچکدام شواهد و مستندات قرآنی ندارند، پرداختم. همچنین با انتشار مقاله «روایات در ترازوی قرآن: بازخوانی انتقادی احکام فقهی از منظر اخلاق باور»، با مد نظر قرار دادن آموزه های «اخلاق باور»، به ربط و نسبت میان روایات و آیات قرآن و محوریت آیات قرآن از منظر خویش پرداختم.

افزون بر این، در دو مقاله تحت عنوان «ازدواج عرفی در ترازوی اخلاق»، به مسئله «ازدواج عرفی»، که از آن تحت عنوان «ازدواج سفید» هم یاد می شود، پرداختم و روایی اخلاقی آن را به بحث گذاشتم. تمام این مقالات، در دو اثر ورق روشن وقت: جستارهایی در نواندیشی دینی، هنر و فلسفه و وقت لطیف شن که طی دو سال پیش منتشر شده، گنجانده شده و بازنشر شده اند.

مقاله «رقص در ترازوی اخلاق» پس از اینها در می رسد و محصول تاملات یکساله ی اخیر نگارنده درباره این موضوع است.

۲. از همه دوستان و عزیزانی که ویراست اول، دوم و سوم مقاله را خواندند و نظرات عالمانه خود را با من در میان نهادند، صمیمانه سپاسگزارم.

۳. تقسیم بندی یاد شده، به حصر منطقی نیست و علی الاصول می توان شق دیگری بدان افزود. چنانکه در می یابم، اهم شقوق رقص از این قرار است. به تعبیر منطقیون، رابطه میان شقوق چهارگانه رقص، «عموم خصوص من وجه» است. مثلاً، میان رقص هنری و رقص صوفیانه، به رغم وجه افتراقی که وجود دارد، می توان وجه مشترکی را نیز سراغ گرفت.

۴. wrong-making feature

برای آشنایی با «اوصاف اخلاقی خوب ساز» و «اوصاف اخلاقی بدساز» در ادبیات فلسفه اخلاق معاصر، به عنوان نمونه نگاه کنید به:

سروش دیباغ، عام و خاص در اخلاق، تهران، هرمس، ۱۳۸۸. فصل اول.

هنری^۱ است و رقصنده، هنر خویش را پیش چشم دیگران قرار می دهد. رقص باله، پاتیناژ (رقص روی یخ)^۲ و رقص در آب^۳ از جمله رقص های هنری اند.^۴ رقص صوفیانه، سویه عرفانی دارد و متضمن اتصال آسمان به زمین، به نحوی که گویی صوفی با یک دست تحفه های آنجهانی را می گیرد^۵ و به واسطه بدن و توسط دست دیگر آنرا به زمین منتقل می کند.^۶

در این نوشتار، فارغ از رقص اروتیک، به انحاء دیگر رقص می پردازم. در سنت ایرانی-اسلامی پس پشت، برخی از عارفان و فیلسوفان و متکلمان، درباره رقصیدن در معنای دوم و سوم و چهارم، رقص شاد و رقص هنری و رقص عارفانه، نوشته و آنرا روا انگاشته اند؛ هر چند این سخنان چندان طنین انداز نگشته است. فی المثل، ابن سینا در رساله « فن شعر» می گوید: «ایقاع تنها که آهنگی در آن نیست در رقص یافت می شود؛ به این دلیل رقص با همراهی آهنگ بهتر می شود و بر نفس اثر می گذارد.»^۷ بر همین سیاق، خواجه نصیر طوسی در بحث از اموری که در در شعر ایجاد محاکات و خیال انگیزی می کنند، در فصل دوم پ اساس الاقتباس^۸ می نویسد:

۱. artistic

۲. figure skating

۳. artistic swimming

۴. فیلم ویم وندرس تحت عنوان « پینا؛ برقصید، برقصید، وگر نه از دست می رویم»، رقص هنری را به زیبایی به تصویر می کشد. برای آشنایی بیشتر با این فیلم که چند سال پیش در جشنواره برلین به نمایش درآمد، نگاه کنید به مطلب « رقص؛ پاسخی جادویی به زیبایی زندگی» در لینک زیر:

<https://www.dw.com/fa-ir/%D8%B1%D9%82%D8%B5-%D9%BE%D8%A7%D8%B3%D8%AE%DB%8C-%D8%AC%D8%A7%D8%AF%D9%88%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%DB%8C%D8%A8%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C/a-6429875-0>

۵. اشاره به بیتی از یکی از غزلهای لطیف دیوان شمس:

ای هما کز سایه ات پر یافت کوه قاف نیز
ای همای خوش لقای آن جهانی شاد باش
تحفه های آن جهانی می رسانی دم به دم
می رسان و می رسان خوش می رسانی شاد باش

۶. طی ده سال گذشته، چند بار در لندن و تورنتو در محافل رقص صوفیانه شرکت کرده ام؛ سماعی که با نواهای خوش سازهای موسیقی عجیب گشته بود و احوال خوشی را نصیب بردم. برای آشنایی بیشتر با رقص صوفیانه (سماع)، به عنوان نمونه، نگاه کنید به دو اثر محققانه ذیل: .

نجیب مایل هروی، *اندر غزل خویش نهان خواهم گشتن: سماع نامه های فارسی*، نشر نی، تهران، ۱۳۷۲.

نصر الله پورجوادی، « اباحه سماع: متن و تحلیل فتوایی از غزالی»، دو مجلد: پژوهشهایی درباره محمد غزالی و فخر رازی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، صفحات ۱۸-۳.

۷. نقل از صفحه فیس بوک امیر مازیار، « در کوچه رندان» در لینک زیر:

<https://www.facebook.com/abuemaad>

۸. انوار، سیدعبدالله؛ تعلیقه بر اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی؛ تهران: نشر مرکز، چاپ دوم ۱۳۹۷؛ جلد یکم: متن اساس الاقتباس؛ مقاله نهم؛ فصل دوم در تحقیق تخییل و محاکات و بیان وجوه استعمال آن.

« و شعر محاکات به سه چیز کند: لحن و نغمه [آواها]، به وزن [ایقاع]، به نفسِ کلام... و این هر سه که گفتیم مجتمع و متفرّق تواند بود. مثلاً محاکات به لحن تنها... و به وزن تنها در ایقاعات که به دست زدن و رقص ایجاد کنند.» در ادامه خواهی تاکید می کند که در رقص، اگر علاوه بر ایقاعات، لحن یعنی آهنگ هم باشد رقص بهتر می شود؛ چرا که رقص به سبب آن با لحنی / آهنگی نیکوتر و آسان تر می شود که محاکات لحنی نفس را مستعدتر می گرداند.^۱

از فیلسوفان و متکلمان شیعی یاد شده که در گذریم، ابوحامد غزالی، فقیه، متکلم و عارف قرن پنجم، در کتاب «سماع» احیاء العلوم الدّین، درباره رقصیدن در معنای عرفی کلمه چنین می نویسد:

« و رقص سبب تحریک شادی و نشاط است و هر شادی که مباح است تحریک آن رواست و اگر حرام بودی عایشه - رضی الله عنها- به حبشیان ننگریستی با پیامبر در حال پای کوفتن ایشان.»^۲

روایت دیگری از این امر را غزالی در *کیمیای سعادت*، که صورت ملخّص و فارسی شده ی *احیاء العلوم* است، چنین آورده است: « عایشه روایت می کند که روز عید، زنگیان در مسجد بازی می کردند، رسول مرا گفت: خواهی که بینی؟ گفتم: خواهم. بر در بایستاد و دست فرا پیش داشت تا من زنخدان بر دست وی نهادم، و چندان نظاره کردم که چند بار گفت که بس نباشد؟ و من گفتم: نه.»^۳

غزالی، بر اساس آنچه در *احیاء العلوم* و *کیمیای سعادت* آمد، استدلال می کند و نتیجه می گیرد که رقصیدن حرام نیست؛ که اگر چنین بود، چطور پیامبر به اتفاق همسر خود به تماشای رقص حبشیان نشست و بر آن خرده نگرفت.^۴

لبّ سخن بوعلی سینا، خواهی نصیر و غزالی، چنانکه در می یابم، از این قرار است که رقصیدن در معنای متعارف که متناسب با رقص شاد و رقص هنری به روایت نگارنده است؛ رقص مردم کوچی و بازار که شادی گستر و نشاط آور است، علی الاصول خالی از اشکال است.

رقصیدن، فعلی طبیعی است، نظیر افعال طبیعی دیگر: دویدن، درازکشیدن، چرخیدن، چرت زدن، شنا کردن، فریاد زدن و لیز خوردن... فعلی که در آن اعضای بدن به نحوی موزون به حرکت در می آیند. مادامی که فعلی در حوزه افعال طبیعی است و تحت «عناوین اخلاقی» و «مفاهیم اخلاقی ستبر»^۵ قرار نگرفته، مشمول داور اخلاقی قرار نمی گیرد. فرض کنید نوجوانی در حال کتک زدن برادر کوچک خود است. فعل کتک زدن، نظیر افعالی که آمد، فعلی طبیعی است و فی نفسه، متصف به اوصاف اخلاقی نمی شود. وقتی ذیل عنوان

۱. همان

۲. نقل از صفحه فیس بوک امیر مازیار، «در کوچه رندان»

۳. ابوحامد غزالی، *کیمیای سعادت*، به کوشش حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی مجلد اول، صفحه ۴۷۵.

۴. روایت مورد استناد غزالی، شهرتی دارد و برخی از فقهای اهل سنت شافعی مذهب، آنرا دلیل بر مباح بودن رقص گرفته اند.

۵. thick moral concepts

اخلاقی « آسیب رساندن به دیگران»^۱ قرار می گیرد، «ربط اخلاقی»^۲ پیدا می کند و به تعبیر دیوید راس، فیلسوف اخلاقی انگلیسی سده بیستم، در زمره ی «وظایف اخلاقی در نظر اول»^۳ قرار می گیرد و وصفی نادرست ساز می شود، به نحوی که اگر امر و ملاحظه اخلاقی دیگری در سیاق یاد شده در میان نباشد، کتک زدن برادر کوچک، کنشی بد و ناموجه می گردد؛ چرا که مصداقی از «آسیب زدن به دیگری» به حساب می آید.^۴

بنا بر آنچه آمد، فعل طبیعی رقصیدن، جهت قرار گرفتن در ترازوی اخلاق و توزین شدن، باید ذیل یکی از عناوین اخلاقی شناخته شده قرار گیرد. چنانکه در می یابم و شهودهای اخلاقی عرفی^۵ بر آن گواهی می دهد، عنوان اخلاقی مرتبط با رقصیدن عبارتست از «عفت»^۶. به تعبیر دیگر، اگر رقصیدن متضمن نقض رفتار عقیفانه باشد، می توان آنرا متصف به وصف بدی کرد و آنرا کنشی غیر اخلاقی انگاشت، در غیر اینصورت نه. در میان شقوق چهار گانه یاد شده، «رقص شاد»، «رقص هنری» و «رقص عارفانه»، کنش هایی غیر عقیفانه نیستند. در کشور ما، کثیری از رقص های قومی، نظیر رقص کردی^۷، رقص ترکی، رقص گیلکی، رقص عربی، رقص های خراسانی....، رقص هایی که با موسیقی های محلی و نواحی عجین گشته، همچنین رقص هایی که پس از پیروزی تیم های ورزشی ملی صورت می گیرد؛ هم شادی آور است، هم نشانه ی همبستگی قومی و ملی.^۸ امری که از مقومات زندگی انسانی است و گریز و گزیری از آن نیست.^۹ ممکن است برخی استدلال کنند که

۱. harming others

۲. moral relevance

۳. prima facie duties

۴. برای آشنایی بیشتر با آراء دیوید راس در زبان فارسی، به عنوان نمونه، نگاه کنید به :

سروش دباغ، درسگفتارهایی در فلسفه اخلاق، تهران، صراط، ۱۳۹۲، چاپ دوم، بخش دوم.

۵. common-sensical moral intuitions

۶. هشت سال پیش، هنگام نوشتن مقالات حجاب، پوشاندن موی سر و گردن، به عنوان فعلی طبیعی را ذیل عنوان اخلاقی «عفت» گنجاندم و درباره آن داوروی اخلاقی و هنجاری کردم. عناوین اخلاقی محدودند؛ اما افعال طبیعی متعدد و متکثرند و باید آنها را جهت داوروی اخلاقی، ذیل عناوین اخلاقی گنجانند.

۷. برای آشنایی با شکل، معنا و کارکرد رقص کردی، نگاه کنید به مطلب خواندنی ذیل، نوشته قطب الدین شیرازی:

<http://www.faratab.com/news/11344/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%AF%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D8%A7%D8%B3%D8%B7%D9%88%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D9%87%D9%87%E2%80%8C%D9%84%D9%BE%D9%87%E2%80%8C%D8%B1%DA%A9%DB%8C-%DA%A9%D9%8F%D8%B1%D8%AF%DB%8C%21>

۸. به طور کلی، "رقص" در آداب و رسوم و فرهنگ ملت ها ریشه دارد و از سنن و زندگی مردمان و اقوام مختلف سخن می گوید. علاوه بر این، رقص و رقصیدن در تاریخ ملل هم جزئی از مناسبات اجتماعی بوده است. مردم شناسان و جامعه شناسان تحقیقات و پژوهش های نسبتاً مفصلی در باب این موضوع انجام داده اند. برای مثال یحیی ذکاء، سلسله جستارهایی را درباره «تاریخ رقص در ایران» منتشر کرده است. برای بررسی این مقالات، رجوع کنید به پرتال جامع علوم انسانی، به نشانی زیر:

ensani.ir

۹. به عنوان نمونه ای از کاربردی رقص در همبستگی سیاسی، می توان به استفاده از رقص والز در کنگره صلح وین به سال ۱۸۱۵ اشاره کرد. این کنگره برای ایجاد یکپارچگی بین شاهزاده نشین های اروپایی در مواجهه با ناپلئون تشکیل شد اما منافع متضاد شرکت کنندگان مانع از دستیابی به نتیجه می شد.

این نوع از رقص، مصداقی از لهُو و لعب است و از اینرو ناموجه و فرونهادنی. در پاسخ به این پرسش مقرر، باید متذکر شد که اشتغال به سرگرمی و بازی، فی نفسه عملی غیر اخلاقی نیست. به تعبیر قرآن در سوره «حدید»، زندگی دنیا از جنس بازی و سرگرمی^۱ و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است؛^۲ که: «اُستن این عالم ای جان غفلت است».^۳ صرف اشتغال بدین امور، اخلاقاً مذموم و ناروا نیست؛ بلکه از منظر عالم اخلاقی چون غزالی، رخصت‌هایی اینچنین، مجال پرداختن به کارهای جدی در زندگی را فراهم می‌کند. می‌توان از پی غزالی روان شد و رقصیدن در معنای متعارف کلمه را، کنشی در راستای تسلیم نشدن به سختی‌ها و تلاطم‌های زندگی و امید بخشی به خود و دیگران قلمداد کرد؛ رفتاری که از آن بوی زندگی و آری گفتن به زیستن بر روی کره خاکی به مشام می‌رسد؛ وقتی کلمات به پایان می‌رسند و حرکات بدن، جایگزین واژگان برای انتقال معنا و مخاطبه می‌گردند.

نیکوس کازانتزاکیس، در اثر درخشان زوربای یونانی که از روی آن فیلمی هم ساخته شده؛ فیلمی که با بازی آنتونی کوئین ماندگار شد؛ رقصی را به تصویر می‌کشد که زمانی برای ارباب جوان موضوعیت پیدا می‌کند که تمام سرمایه‌ی خود را از دست داده و بین آسمان و زمین معلق است. در این موقعیت، ارباب جوان از زوربا می‌خواهد که به او رقصیدن را یاد دهد. زوربا می‌گوید: «ارباب! من ده‌ها هزار چیز دارم که برایت بگویم. هیچ کس را تا کنون به اندازه تو دوست نداشته‌ام. هزارها چیز دارم برایت بگویم ولی زبانم قاصر است. پس چشم‌هایت را خوب باز کن تا همه را برایت برقصم».^۴

در واقع، در انتهای همسفر شدن با زوربا، نگرش ارباب جوان به زندگی عوض می‌شود و چگونگی زیستن را از او می‌آموزد، که: «ما هیچ، ما نگاه» و «بهترین چیز رسیدن به نگاهی ست که از حادثه عشق تر است».^۵ ارباب جوان، آزادی و رهایی را در رقصیدن جستجو می‌کند؛ رقصیدنی که برای دقایقی، او را رها می‌سازد

برگزار کنندگان پروسی به ابتکاری دست زدند تا با برپایی مجالس والز، شبها بعد از مذاکرات سیاسی، به نوعی جو همدلی و همبستگی میان شرکت کنندگان ایجاد نمایند. از این کنگره بعدها در ادبیات سیاسی اروپا به کنگره رقصان یاد شد.

۱. شمس تبریزی در مقالات با عنایت به همین آیه سوره «حدید» آورده است:

«یکی شکایت می‌کرد از اهل دنیا. گفتند: دنیا لعب است و مزاح است در نظر رجال؛ در نظر کودکان لعب نیست، جلاست، فریضه است. اکنون اگر بازی و مزاح بر نمی‌تابی بازی مکن. و اگر بر می‌تابی می‌زن و می‌خور خندان. که بازی را نمک او خنده است نه گریه». نقل از: خمی از شراب ربانی: گزیده مقالات شمس، انتخاب و توضیح: محمد علی موحد، تهران، انتشاران سخن، ۱۳۸۸، صفحه ۱۵۰.

۲. سوره حدید، آیه ۲۰

۳. اشاره به ابیاتی از دفتر اول مثنوی معنوی:

اُستن این عالم ای جان غفلت است

هوشیاری این جهان را آفت است

هوشیاری زان جهان است و چو آن

غالب آید پست گردد این جهان

۴. نیکوس کازانتزاکیس، زوربای یونانی، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۹۸.

۵. سهراب سپهری، هشت کتاب؛ دفتر «حجم سبز»؛ شعر «شب تنهایی خوب».

و اوقاتش را خوش می کند و آری گفتن به زندگی را در وضعیتی که زبان قاصر است، برایش رقم می زند. بر همین سیاق، سال گذشته در بحبوحه شیوع بلیه عالمگیر کرونا، ویدئوهای رقصی از پرستاران و دیگر اهالی کادر درمان داخل کشور منتشر شد، که در جای خود امید بخش بود و بوی زندگی می داد.^۱

شیخ شهاب سهروردی، حکیم و عارف بزرگ سده ششم، به رغم اینکه اکثر عبادتش گرسنگی بود و کثیر السکوت؛ در عین حال، چنانکه محمد شهرزوری در شرح احوالش نوشته، به غایت سماع و نغمات موسیقی را دوست می داشت.^۲ او در فقره ای از قصه دلکش « فی حالة الطفولیة » آورده است:

« شیخ را گفتم که دیگری بر می خیزد و با صاحب حالت در رقص موافقت می کند، از بهر چیست؟ »

گفت: « دعوی همراهی می کند و همدمی. »

گفتم: « بعد از حالت، صاحب حالت بر می خیزد و دست بر هم می نهد و هیچ نمی گوید. »

گفت: « آن چه هیچ نمی گوید، همه تن زبان است، به زبان حال، حال خویش عرضه می کند که به زبان مقال از آن حال حکایت نتوان کردن. »^۳

۱. چندی پیش، پس از انتشار ویدئوی رقص یکی از کارمندان دولت و خبر توییح او، همچنین انتشار خبر عذرخواهی مجری تلویزیون به سبب توصیه کارشناس برنامه ای به رقصیدن در شب یلدا، در کانال تلگرامی خود نوشتم:

پیشتر درباره فیلم « جهان با من برقص » نوشتم و مضامین آگریستانسیل نیکوی آن درباره نسبت میان مرگ و زندگی به روایت خویش را برکشیدم و بسط دادم. افزون بر آنچه آوردم، به نظرم استفاده از « رقص » و « رقصیدن » از نقاط قوت این فیلم است. سکانس آخر فیلم که در آن بازیگران، دسته جمعی « دیگه عاشق شدن ناز کشیدن فایده نداره / دیگه دنبال آهو دویدن فایده نداره / ای دل دیگه بال و پر نداری / داری پیر میشی و خبر نداری / وقتی ای دل به گیسوی پریشون می رسی خودتو نگه دار / وقتی ای دل به چشمون غزلیخون می رسی خودتو نگه دار » را می خوانند و می رقصند، زیبا و به یاد ماندنی است. شخصیت « زوربا » در رمان درخشان « زوربای یونانی » نوشته نیکوس کازنتراکیس، در فقرات پایانی، به رغم بر باد رفتن زحمات چند ماهه اش و ویران شدن آنچه ساخته بودند؛ شروع به رقصیدن می کند و « ارباب » را هم به رقصیدن دعوت می کند. رقصیدن، فرد را معطوف به اینجا و اکنون می کند و با پس زدن نگرانی ها و پریشانی ها و « افکار خودکار منفی »، حس تعلیق در رقصنده ایجاد می کند، اوقاتش را خوش می گرداند و شادی را به سمت او می کوچاند. در سنت ما، عارفان خراسانی به نیکویی بر رقص سماع مهر تایید زده اند؛ رقصی که جنبه معنوی و زیبایی شناختی دارد. افزون بر سماع، می توان رقصی را برکشید که شادی گستر است و از آرام و رنج های پیرامونی می کاهد؛ کاری که تبیین علمی هم دارد و از طریق ترشح اندورفین، شادی و آرامش بیشتری را برای رقصنده رقم می زند. از اینرو، چنانکه اخیرا کارشناس محترم برنامه تلویزیون آورد، رقصیدن در ایام کرونایی، امر نیکو و شادی آوری است. اگر قرار به عذرخواهی باشد، تلویزیون باید بابت دروغزنی ها و تهمت های مستمری که طی سالیان اخیر در برنامه « بیست و سی » و برخی دیگر از برنامه های خود پراکنده و پرونده سازی هایی که برای شهروندان کرده، عذرخواهی کند؛ نه توصیه کاربردی و نیکوی یک کارشناس. افزون بر این، من اگر جای مدیران دولتی بودم، در این زمانه کرونایی پر تب و تاب، به جای بازخواست و اخراج فلان کارمندی که در محل کارش رقصیده، می اندیشیدم چگونه می توان رخوت و تلخکامی و ناراحتی ناشی از فشارهای اقتصادی و اجتماعی و کرونایی را در میان کارمندان، کاهش داد.

۲. نگاه کنید به: شمس الدین محمد شهرزوری، « در احوال شیخ اشراق »، ترجمه مقصود علی تبریزی، در قصه های شیخ اشراق، ویراسته جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۸، چاپ سیزدهم، صفحه ۹۰.

علاوه بر کتاب « در احوال شیخ اشراق »، برای مطالعه بیش تر، رک. پورنامداریان، تقی؛ عقل سرخ: شرح و تأویل داستان های رمزی سهروردی؛ تهران: سخن، ۱۳۹۴؛ بخش اول: شرح احوال و اندیشه های سهروردی.

۳. همان، صفحه ۲۶.

هر چند سخنان شیخ مقتول، ناظر به رقص صوفیان است؛ اما سخن او مبنی بر اینکه در رقص، همه تن بدل به زبان می شود و در کار عرضه کردن « زبان حال»، به جای « زبان مقال»، قابل تعمیم دادن به «رقص شاد» و «رقص هنری» است و تداعی کننده ی سخن زوربا در زوربای یونانی.

آبراهام مازلو، روانشناس انسانگرایی سده بیستم، « انسان خواستار تحقق خود»^۱ را برخوردار از سلامت روان فراوان می دانست؛^۲ او از مولفه های خواستاران تحقق خود، به روایت خویش پرده برگرفته است.^۳ در میان این اوصاف، می توان از « تجربه های اوج» و « آفرینندگی» سراغ گرفت؛ تجاربی که در موسیقی، هنر، رابطه رومانتیک و تماشای غروب دلپذیر آفتاب می تواند سربرآورد و شکوفایی را در جان فرد بنشانند. رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه، از دیگر مصادیق تجربه های اوج و آفرینندگی اند و متضمن افزایش شکوفایی روانی فرد. رقصیدن از جایی آغاز می شود که کلام به پایان می رسد و مکالمه جسم ها و بدن ها آغاز می شود؛ مکالمه ای که متضمن خلاقیت و رها شدگی و سبکباری است و تجاربی از جنس سرشار شدن و شکفتن و پرشدگی را برای رقصنده رقم می زند.

همچنین، گوردون آلپورت، از روانشناسان برجسته سده بیستم، یکی از مولفه های « انسان بالغ» را توانایی خندیدن به خود و تسخر زدن در جهان پیرامون و ما فیها می داند؛ تسخر زدنی که ظرافتی دارد و با هزل، فاصله دارد.^۴ اشتغال به رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه، این توانایی را در انسانهای پیرامونی افزایش می دهد و به بهبود سلامت روان شان مدد می رساند.

بنا بر آنچه آمد، می توان چنین انگاشت که اشتغال به رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه، منافاتی با شهودهای اخلاقی عرفی ندارند؛ چرا که مصداق رفتار غیرعفیفانه نیستند. عنایت داشته باشیم که شهودهای اخلاقی عرفی، اموری وابسته به سیاق اند و می توانند از عصری به عصری تغییر کنند؛ درعین حال، همچنان

۱. Self-actualizing person

کارل راجرز، دیگر روانشناس انسانگرایی مشهور آمریکایی معاصر، در آثار خویش از « انسان با کنش کامل» سخن گفته و آنرا مقوم سلامت روان انگاشته است.

۲. اخیراً در سگفتار « نظریه های شخصیت به روایت آدلر و مازلو» را در « کانون نگرش نو» به پایان بردم؛ در این درسگفتار نظریات مازلو را به بحث گذاشتم. برای شنیدن برخی از فایل های صوتی این دروس، مراجعه کنید به:

www.soroushdabagh.ir

۳. برای آشنایی با آرای مازلو و راجرز، به عنوان نمونه، نگاه کنید به:

-Motsching-Pitrik, R., & Barrett-Lennard, G. (2010). Co-Actualization: A new construct in understanding well-functioning relationships. *Journal of Humanistic Psychology*, 50 (3), 374-398.

-Schultz, D. P. & Schultz, S. E. (2016). *Theories of Personality*, CA: Wadsworth, 11th edition.

۴. برای آشنایی با آرای آلپورت در این باب، به عنوان نمونه نگاه کنید به:

دوان شولتز، روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، نشر پیکان، ۱۳۹۳، فصل دوم.

در بحث از « طنز الاهیاتی»، به مناسبت بحث از مفهوم « مکانیسم های دفاعی بالغانه»، استشهادی به این موضع آلپورت کردم. نگاه کنید به:

سروش دباغ، « الاهیات سینوی، طنز الاهیاتی و معضل شر» و « طنز الاهیاتی و اعتراض الاهیاتی»، در ردآبی روایت، تورنتو، نشر سهروردی، ۱۳۹۹. جلد اول.

هنجاری^۱ اند و بایسته و برگرفتنی. علت اصلی این امر هم این است که مفاهیمی چون "عفت"، "خشونت" و "عدالت"، از جمله مفاهیم برساخته اجتماعی^۲ اند، مفاهیمی که مولفه‌ها و مصادیق شان می‌تواند از زمانی به زمانی دیگر تغییر کند و به تعبیر ویتگنشتاین، نوعی «شبهت خانوادگی»^۳ میان دایره مصادیق آنها در بستر تاریخ برقرار است؛ درعین حال، این امر، از هنجاری و بین‌الذهانی^۴ بودن آنها نمی‌کاهد. روزگاری پرده نشین بودن و خلوت نشینی زنان، در جامعه ما مصداق رفتار عفیفانه بوده؛ اما امروزه حضور زنان در فضای عمومی، رفتاری غیر عفیفانه بحساب نمی‌آید. بر همین سیاق، تفکیک میان انواع رقص و سراغ گرفتن از ربط و نسبت میان آنها، می‌تواند تصویر و تلقی ما از حدود و ثغور رفتار عفیفانه و رفتار غیر عفیفانه در روزگار کنونی را منقح تر کند.

افزون بر این، می‌توان استدلال اخلاقی فایده‌گرایانه‌ای نیز به نفع روایی رقص شاد و رقص هنری اقامه کرد. مطابق با آموزه‌های «فایده‌گرایی قاعده‌محور»^۵ که مبتنی بر «اصل فایده»^۶ است؛ عملی اخلاقاً رواست که اگر به صورت قاعده‌ای در سطح جامعه درآید، متضمن بیشینه شدن فایده و کمینه شدن درد و رنج برای اکثریت شهروندان گردد. رقص شاد و رقص هنری، به توضیحی که آمد، از میزان دل‌نگرانی، پاشانی و پریشانی انسانهای پیرامونی می‌کاهد و بر حجم شادی و امید ایشان می‌افزاید. مدلول سخن فوق این است که این کنش، اخلاقاً رواست.

از سوی دیگر، سالها پیش، در بحث از مقوله "حجاب"، در تشریح موضع مختار خود درباره رابطه میان دین و اخلاق، «نظریه حداقلی فرمان الاهی»^۷ را به تفصیل توضیح دادم.^۸ به نزد نگارنده، از منظر دلالت شناختی، وجود شناختی و روانشناختی، اخلاق مستقل از دین است. افزون بر این، از منظر معرفت‌شناختی، در شهادهای اخلاقی عرفی به دیده عنایت می‌نگرم و آنها را بر می‌کشم و در مواردی که آنها را با قرائت اولیه خویش از متن مقدس متعارض می‌بینم، سعی خویش را بکار می‌گیرم تا با بکار بستن آموزه‌های هرمنوتیستی موجه، تاویل و خوانشی روشن و روشمند از متن بدست دهم. همچنین اگر قرائت اولیه از متن

۱. normative

۲. socially-constructed concepts

۳. family resemblance

۴. intersubjective

۵. Rule- Utilitarianism

۶. utility principle

۷. weak divine command theory

برای آشنایی بیشتر با این نظریه، به عنوان نمونه نگاه کنید به :

Robert Adams (1987), "A Modified Command Theory of Ethical Wrongness", in *The Virtue of Faith and Other Essays in Philosophical Theology*, Oxford University Press.

۸ نگاه کنید به :

«حجاب در ترازوی اخلاق»، حجاب در ترازو، لندن، نشر اچ اند اس، ۱۳۹۶.

مقدس (قرآن) با شهودهای اخلاقی عرفی سازگار باشد، کنش یاد شده قابل قبول است و در ترازوی اخلاق، موجه. اما اگر متن مقدس نسبت به کنش مد نظر مسکوت باشد؛ باید شهودهای اخلاقی را برکشید و مطابق با آنها رفتار کرد.^۱

در قرآن، مهمترین و معتبرترین سند مسلمانی، ذکری از مقوله رقص نرفته و اشارتی مستقیم و یا غیر مستقیم به رقصیدن مردان و زنان نشده است. ملاحظه اخلاقی متناظر با کنش طبیعی رقصیدن که در قرآن بدان پرداخته شده، عبارتست از رفتار «عفیفانه». در آیاتی چند از دو سوره «نور» و «احزاب»، مومنین و مومنات، دعوت به «غض بصر» و «حفظ فرج» شده اند.^۲ عنوان اخلاقی مستفاد از این دعوت، عبارتست از «عفت». لازمه این سخن این است که رفتار غیر عفیفانه، غیر اخلاقی و فرو نهادنی است.

چنانکه آمد، رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه، مصادیقی از رفتار غیر عفیفانه نیستند و نباید آنها را ناموجه انگاشت. شهودهای اخلاقی کثیری از انسانهای پیرامونی نیز بر این مهم تاکید می کند. آنچه از منظر عموم فقها عبارتست از لهو و لعب مفسده انگیز، رقص اروتیک است، نه مطلق رقصیدن. خطایی که اینجا رخ داده، عبارتست از عدم تفکیک میان انواع رقص؛ چرا که بر رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه، علی الاصول مفسده ای مترتب نمی شود.

فی المثل مرحوم سید ابوالقاسم خویی گفته است: «رقصیدن زمانی حرام است، که با کار حرامی همراه باشد».^۳ مرحوم موسوی اردبیلی هم می گوید: «رقص مصداق لهو است و لهو حرام است».^۴ مرحوم فاضل لنکرانی هم بر این باور است که: «رقص حرام است چون حیاء را از بین می برد».^۵ فقیه معاصر، محمد ابراهیم جناتی هم فتوا داده است: «رقصیدن زن برای زن و مرد برای مرد اشکالی ندارد».

موارد فوق را از میان فتاوی مراجع و فقهای شناخته شده نقل کردم. ملاحظه می شود که هیچ یک از این فقها باور ندارند که نفس «رقصیدن»، عمل حرامی است؛ بلکه اگر با کار حرامی دیگر همراه باشد، و یا مصداق لهو باشد و یا متضمن نقض حیاء باشد، حرام اند. عدم تفکیک میان انواع رقص، سبب شده که عموم فقها، حکمی یکسان درباره انواع رقص بدهند و همه را با یک چوب برانند. به توضیحی که آمد و ادله ای که اقامه شد، رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه، مصداق لهو نیستند و مفسده ای بر آنها مترتب نیست؛ از بین برنده حیاء و عفت نیستند و کنشی غیر عفیفانه و ناموجه بحساب نمی آیند.

۱. برای بسط بیشتر این مطلب، نگاه کنید به :

«مسئله حجاب و فهم روشمند از قرآن»، حجاب در ترازو.

۲. قرآن کریم، سوره «نور»، آیات ۳۰ و ۳۱.

سید ابوالقاسم خویی، صراط النجاه، جلد اول، صفحه ۳۷۲. ۳

۴. سید موسوی اردبیلی، رساله فی الغناء، استفتائات جدید، جلد اول، صفحه ۲۱۹.

۵. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، صفحه ۴۴۳.

بگذریم از اینکه، واژگان « لهو و لعب » نیز در این میان رهنمی می کنند؛ چرا که بار معنایی منفی ای^۱ دارند. اگر از معادل های فارسی «سرگرمی» و «بازی» استفاده کنیم، معنا بهتر منتقل می شود. اشتغال به بازی و سرگرمی، امری غیر اخلاقی نیست. میلیون ها نفر در داخل کشور به تماشای مسابقات ورزشی و یا فیلم های سینمایی می نشینند؛ اموری که مصداقی از سرگرمی اند؛ همچنین به بازیهای رایانه ای اشتغال دارند. این امور در جای خود فرحناک و نشاط آور اند و به تعبیر کوندرا در رمان بار هستی، زیستن بر روی این کره خاکی را برای خلاقیت تحمل پذیرتر می کنند و از میزان بار و ملالت آن می کاهند. ممکن است کسانی ترجیح دهند اوقات خود را به نحو دیگری سپری کنند و بازیها و سرگرمی های متعارف را فرو نهند و به تعبیر شوپنهاور، «لذات ذهنی» را برکشند. سالکان مدرنی که «هجوم خالی اطراف» را می چشند و «تنهایی معنوی» را مزه مزه می کنند و با آن انس دارند. اما لازمه این سخن این نیست که کسانی که به بازی و سرگرمی مشغول اند، مرتکب کار غیر اخلاقی می شوند. به تعبیر دیگر، پرداختن به اموری که از جنس سرگرمی اند، اموری که به تعبیر دینی می توانند «لغو» بحساب آیند،^۲ از انسان فضیلت مند^۳ به نحو اغلیبی سر نمی زند؛ اما باید توجه داشت که در هرم پراکندگی کنشگران اخلاقی در عموم جوامع، «فضیلت گرایی اخلاقی»^۴ در راس هرم واقع شده و حاملان و قائلان کمتری دارد؛ در قیاس با «فایده گرایی اخلاقی» که در قاعده هرم قرار گرفته و شمول بسیاری در جوامع انسانی دارد؛ که در خور و متناسب با انسانهای متوسطی است که کره خاکی را پر کرده اند و خرقة ای تر دامن و سجاده ای شراب آلوده دارند.^۵ پس، می توان چنین انگاشت که اشتغال به رقص شاد و رقص هنری، مصداقی از امور سرگرم کننده و شادی آورند و رفتارهایی موجه و روا.

علاوه بر ارزیابی اخلاقی رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه، به توضیحی که آمد؛ واکاوی آن از منظر فقه شناسانه نیز ضروری می نماید. چنانکه در مباحث خویش در باب "حجاب" و "ازدواج عرفی" آورده ام؛ از میان فقهای شناخته شده، مرحوم احمد قابل، قائل به جواز فقهی نپوشاندن موی سر و گردن زنان و دختران بود. هم ایشان و هم مرحوم محمد صادقی تهرانی، با پیش کشیدن مبحث «نکاح معاطاتی»، ازروایی فقهی ازدواج عرفی / ازدواج سفید سخن گفتند.^۶ هر چند عموم فقهای فریقین، با آرای فقهی احمد قابل و محمد

۱. negative connotation

۲. به عنوان نمونه، در قرآن در آیه ۲ سوره «مومنون» آمده است که مومنان از «سخن لغو» اعراض می کنند و روی بر می گردانند. در عین حال، تصویر جامع الاطراف قرآن از جهان، چنانکه می فهمم، این نیست که مومنان آنرا پر کرده اند.

۳. virtuous person

۴. virtue ethics

۵. اشاره به این بیت نغز حافظ:

دوش رفتم به در میکده خواب آلوده

خرقه تر دامن و سجاده شراب آلوده

۶. نگاه کنید به:

«ازدواج عرفی در ترازوی اخلاق»، ورق روشن وقت: جستارهایی در نواندیشی دینی، فلسفه و هنر، تورنتو، نشر سهروردی، ۱۳۹۷.

صادقی تهرانی همداستان نیستند؛ در عین حال از منظر فقه شناسانه، می توان چنین انگاشت که روایی فقهی نپوشاندن موی سر و گردن زنان و دختران و همچنین ازدواج عرفی، اقوالی است که قائلانی در میان طایفه فقها دارد. در اینجا عده و عده اهمیتی ندارد؛ بلکه نفس این امر که قولی در میان فقهای مسلم و شناخته شده قائلی دارد، برای روایی آن از منظر فقه شناسانه کفایت می کند.

بر همین سیاق، ابو حامد غزالی، فقیه، متکلم و عارف بزرگ قرن پنجم و ششم، چنانکه آمد، از جواز و روایی فقهی رقصیدن متعارف در آثار خویش پرده برگرفته است. افزون بر او، خواجه نصیر طوسی، متکلم، ریاضیدان و فقیه قرن هفتم نیز از روایی رقص عرفی سخن گفته است.^۱ از منظر فقه شناسانه، نفس این امر که فقیهان مسلمی بر جواز و روایی رقص عرفی صحنه نهاده اند و این رای فقهی، قائلانی در میان فقیهان دارد، آنرا موجه و در خور درنگ می کند. به تعبیر دیگر، می توان از «امکانات سنت» سراغ گرفت و بر این مهم تاکید کرد که این سخن که رقصیدن حرمت ندارد، در درازنای سنت فقهی، مسبوق به سابقه بوده و قائلانی داشته است. بنا بر آنچه آمد و استدلال هایی که اقامه شد، می توان چنین نتیجه گیری کرد که «رقص شاد»، «رقص هنری» و «رقص صوفیانه»، به لحاظ اخلاقی قبجی ندارند و ناروا نیستند؛ چرا که شهودهای اخلاقی عرفی بر غیر عقیفانه بودن آنها گواهی نمی دهد. همچنین، نسبت میان رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه با سلامت روان تبیین شد. در بخش پایانی نوشتار، ادله ی فقهای چهارگانه یاد شده در حرمت «مطلق رقصیدن» نقد شد؛ استدلال هایی که به نزد نگارنده از عدم تفکیک میان انواع رقص نشأت می گیرد. همچنین استدلالی از منظر فقه شناسانه (نه فقهی)، مبنی بر روایی رقص شاد، رقص هنری و رقص صوفیانه اقامه گردید.

۱. خواجه نصیر طوسی را بیشتر با آثار گرانسنگش در حوزه های کلام، فلسفه، ریاضیات و نجوم می شناسیم. در عین حال، او فقیه هم هست و آثار فقهی چندی از او بر جای مانده است؛ برای مثال، یکی از آثار او در علم فقه، *جواهر الفرائض* است که «ارث» در احکام فقهی را بررسی کرده است.